

## بررسی مفهوم مذهب از دیدگاه کالوینیسم در دو داستان کوتاه "گودمن برون جوان" و "نقاب سیاه کشیش" اثر ناتانائیل هائورن

فاطمه عزیزمحمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

در این پژوهش دو داستان کوتاه گودمن برون جوان و نقاب سیاه کشیش اثر ناتانائیل هائورن<sup>۲</sup> با بررسی مفهوم مذهب، گناه و رستگاری براساس دیدگاه کالوینیسم<sup>۳</sup> همچون تباهی مطلق، انتخاب قطعی، لطف اجباری، جبران مشروط، مداومت پرهیزگاران ارزیابی و تبیین می‌شود. همچنین دیدگاه نظریه جان کالون<sup>۴</sup> را در ارتباط با حوزه ادبی و چگونگی استفاده از آن برای شرح آثار ناتانائیل هائورن را روشن می‌نماید. چارچوب نظری که برای این تحقیق در نظر گرفته شده است بررسی مفاهیم کالوینیسم بر دو داستان کوتاه هائورن، گودمن برون جوان و نقاب سیاه کشیش است. همچنین این تحقیق می‌کوشد که به دو سوال بسیار مهم و اساسی پاسخ گوید. نخستین سوال بررسی کامل مفهوم کالوینیسم و چگونگی پیدایش آن و دومین سوال این است که چگونه می‌توان کالوینیسم را در داستان‌های کوتاه مذکور هائورن به طور عملی به کار برد. در نهایت، این تحقیق به نتایج و اهدافی که ذکر می‌شود دست یافته است. این تحقیق در واقع نوعی مطالعه دقیق‌تر دو داستان کوتاه هائورن در دو بعد تئوری و عملی است. ابتدا در بخش تئوری تاریخچه‌ای دقیق و کلی از مذهب کالوینیسم و چگونگی تشکیل این مذهب ارائه گردیده و سپس به بررسی جایگاه هائورن به عنوان نویسنده‌ای مذهبی در آثار وی پرداخته شده است. در بخش عملی، مفاهیم کالوینیسم آثار مذهب کالوینیسم را در جامعه پیوریتن بر داستانهای کوتاه هائورن تبیین و موشکافانه نقش نیو انگلند بعنوان محیط اصلی داستانهایش بررسی شده است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که هائورن در بیشتر داستانهایش چه کوتاه و چه بلند از این موضوع استفاده کرده است و مفهوم کالوینیسم نه تنها می‌تواند آثار هائورن را تبیین، بلکه می‌تواند جنبه‌های تاریک پیوریتنیسم را شفاف سازد.

**کلید واژه‌ها:** تباهی مطلق، انتخاب قطعی، لطف اجباری، مداومت پرهیزگاران، کالوینیسم.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Meena\_mina\_mina@yahoo.com

2. Nathaniel Hawthorne

3. Calvinism

4. John Calvin

### مقدمه و بیان مساله

جان کالون (۱۵۰۹-۱۵۶۴) کشیش پروتستانی مذهب فرانسوی است که مردی آتشین مزاج، سریع‌التأثیر، حسابگر و استدلالی بود و می‌خواست زندگی روزمره را براساس مذهب مسیح قرار دهد و کوشش داشت که "ژنو" را به صورت کشوری کامل که حکومتش در اختیار اولیای دین باشد درآورد و آن را به روش الهی خواند که آن را مذهب کالون خوانند. این مرد مخالفین خود را سخت تعقیب می‌کرد و محاکمات هولناکی تشکیل می‌داد. اثر معروفش کتاب "مبادی دین مسیح" است.

وی معتقد بود که کتاب مقدس یگانه منبع قانون الهی است و بر انسان است که آن را تعبیر و تفسیر کند و مبنای نظام اجتماعی قرار دهد. کالون می‌گوید: بایستی حیات را مرکز ثقل وجود دانست و رعایت وظایف دینی در نهایت اهمیت است. آدمی باید خود را همیشه در دیدگاه و منظر حق تعالی بداند، مردمان هرزه و عیاشی که ساعات عمر خود را در عیش و نوش و بوالهوسی می‌گذرانند، ولگردی، رقص و قمار، را برخواندن کتاب مقدس ترجیح می‌دهند همگی بازیچه شیطانند و به آتش جهنم محکوم می‌شوند. بنابراین صفات شریفه عفت و تقوا براساس منطق قرار دارند و نمی‌توان در آنها وقفه‌ای به عمل آورد. کالون معتقد به تقدیر الهی بود و سعادت و شقاوت را به دست خداوند می‌دانست. می‌توان گفت کالون به اوج رساننده پروتستانیسیم در اصولگرایی مذهبی و ضدیت با مصلحت‌گرایی بود. او سعی کرد تا آنچه را که لوتر نتوانسته بود در اصول پروتستان کاملاً تنقیح کند، تنقیح و روشن نماید و کلاً از آثار کلیسایی، کاتولیسیم را بزداید و پاک دینی و اصولگرایی دینی را ترویج کند.

آثار هائورن بطور کلی به رمانتیسم و درواقع رمانتیسم سیاه<sup>۲</sup> تعلق دارد. داستانهای مذهبی اخطارآمیزی که گناه و معصیت و شر را ذاتی‌ترین ویژگی‌های طبیعت انسان می‌دانند. بیشتر آثار هائورن الهام گرفته از پیوریتن نیوانگلند و بازمینه‌های مذهبی می‌باشند. کنایه‌های اخلاقی که وی به کار برده است اشاره به داستان‌های تاریخی دارند. در واقع از داستان‌های تاریخی برای بیان و شفاف کردن موضوع‌های اصلی آثارش که شامل گناه، معصیت و مجازات هستند بهره برده است. آثار بعدی او دیدگاه منفیش را نسبت به مکتب تعالی‌گرایی منعکس می‌کند. در

1. The Institute of Christian Religion

2. Black Romanticism

بررسی مفهوم مذهب از دیدگاه کالونیسیم در دو داستان کوتاه "گودمن برون جوان" و... ۱۱۹۱۱۱

آثار هاتورن همواره نشانی از کلید واژه‌ی مذهب دیده می‌شود. هاتورن را غالباً در اوایل دوران حرفه‌ایش به عنوان نویسنده داستان کوتاه می‌شناختند. داستانهای کوتاه او در کتابی با عنوان "افسانه‌های دوبار گفته شده"<sup>۱</sup> منتشر شدند. از مهمترین آثار مذهبی هاتورن در بین داستان‌های بلند می‌توان "داغ ننگ"<sup>۲</sup> و در بین داستان‌های کوتاه "گودمن برون جوان" را نام برد.

هاتورن از شهر سالم (Salem) و پیوریتن که نمادی از مذهب بود در بیشتر آثار خود استفاده کرده است. شخصیت‌های داستان‌های او اغلب در درون خود در کشمکش بین خوب و بد هستند و این ویژگی از طرف دیگر زمینه را برای بحث‌های روانشناسانه فراهم می‌کند. گناه و پشیمانی از گناه، درون مایه و تم اصلی در آثار این نویسنده می‌باشند. در این تحقیق سعی بر آن است که با تکیه بر دو داستان کوتاه وی با اسامی "گودمن برون جوان" و "نقاب سیاه کشیش" مفهوم مذهب مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و این عقیده از مذهب کالونیسیم که هیچ‌کس نمی‌تواند از بی‌گناه بودن خود مطمئن باشد در این آثار بررسی شود.

"گودمن برون جوان"<sup>۳</sup> داستان جوانی بسیار مقید به مذهب بنام گودمن برون است که تسلیم و سوسه‌های شیطانی می‌شود و همسرش را تنها گذاشته و به جنگل تاریک که نماد گناه است سفر می‌کند. همسفر او شیطان است و هدف از سفر پیوستن به یک جلسه شیطانی است. گودمن برون در آنجا با واقعیاتی روبه‌رو می‌شود که باعث تحول اساسی در وی می‌گردد. او همسرش، اجدادش و افراد مذهبی شهرش را در آن مهمانی می‌بیند و این حقیقت او را دچار انزوا می‌سازد. "نقاب سیاه کشیش"<sup>۴</sup> داستان کشیشی بنام پدر هوپر<sup>۵</sup> است که همواره نقاب سیاهی بر چهره دارد و در تمام سخنرانی‌های مذهبی‌اش از گناه و مخصوصاً گناه پنهان که او معتقد است همه افراد آن را در پشت نقاب‌هایشان پنهان کرده‌اند حرف می‌زند. و مردم می‌پندارند که نقاب سیاه وی نماد گناه پنهان خودش است. او معتقد است که همه انسانها ذاتاً گناهکارند.

در این آثار نبرد بین خوب و بد، گناه و ثواب، قهرمان داستان را وادار به اندیشیدن به مرگ نموده که در دید آنان تنها راه رهایی است. مذهب نقش مهمی در این داستانها ایفا می‌کند و تأثیری بسزا در اتفاقات روایت شده دارد. در "گودمن برون جوان" مرد جوان با حقایقی روبرو

---

1. twice- told tales  
2. Scarlet Letter  
3. Young Goodman Brown  
4. The Minister's Black veil  
5. Rev. Hooper

۱۳۰ // دو فصلنامه مطالعات تئودرایی / سال هجدهم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

می‌شود که نمی‌تواند به زندگی عادی خود ادامه دهد و به جنون کشیده می‌شود. در "نقاب سیاه کشیش" کشیشی که خود نماینده مذهب است نمی‌تواند ماسکی که گناه را در چهره‌اش پوشانیده بردارد و این پوشش را حتی بعد از مرگ با خود دارد. هدف تحقیق یافتن تاثیر مذهب کالونیسیم در جزء جزء این داستان‌ها می‌باشد.

در تحلیل دو داستان کوتاه "گودمن برون جوان" و "نقاب سیاه کشیش" این نکته می‌تواند استنباط شود که علامت‌ها و نشانه‌هایی وجود دارند که ذهن خواننده را به این ایده معطوف می‌کنند که شخصیت‌های این داستان‌ها به نوعی درگیر کشمکش‌های درونی و بیرونی هستند که تداعی‌کننده عقاید کالونیسیتی برای خواننده هستند.

کالونیسیم مجموعه‌ای از عقاید مذهبی پیوریتنیسم و رویکردی به مسیحیت است. این شاخه از مسیحیت بواسطه جان کالون، اصلاح طلب فرانسوی و از پیشگامان این رویکرد، کالونیسیم نام گرفت. کالونیسیم اغلب در پنج اصل مهم خلاصه می‌شود که در بخش‌های بعد به آنها پرداخته می‌شود. دلیل اهمیت کالونیسیم بخاطر اصل فلسفه جبری و محرومیت قطعی آن است که عملاً بر قدرت مطلق خداوند تاکید دارد.

هاتورن پیوریتنیسم و بطور دقیقتر کالونیسیم را با تمام سخت‌گیری زیاد در نپذیرفتن احساسات و عواطف انسانی و باور به گناهکار بودن ذاتی انسانها، ریاکارانه، متظاهر و پردردسر می‌داند. درست به این دلیل در داستان "گودمن برون جوان" (۱۸۳۵) ریاکاری پیوریتنیسم و ارتباط آن را با موضوع خیر و شر، همان‌گونه که آنها در هر دو قلمرو خصوصی و عمومی آشکار می‌شوند را مطرح می‌سازد. هاتورن در طول زندگی هنری و ادبی‌اش، هرگز نتوانست خود را از میراث پیوریتن جدا نماید. منتقد ادبی، هنری سیدل کنبای در کتاب خود با عنوان "امریکایی‌های کلاسیک: مطالعه‌ای از نویسندگان برجسته امریکایی از ایروینگ تا ویتمن" عنوان می‌کند: "هرچند هاتورن خود را از قید و بند قوانین و احکام سختگیرانه پیوریتن رهانید اما هیچ‌گاه نتوانست از اندیشیدن به گناه و زندگی وجدانی و اخلاقی آدمیان دست کشد.... شکست‌های روحی و وجدانی برای او به عنوان یک پیوریتن، موضوعی بس با اهمیت و مهم بود" (can by، 1959: 56).

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، کشمکش‌های درونی و بیرونی نقش بسیار مهمی در

بررسی مفهوم مذہب از دیدگاه کالوینسیم در دو داستان کوتاه "گودمن برون جوان" و... ۱۳۱۱۱۱

آثار هاتورن ایفاء می کنند که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت. خواندن آثار هاتورن بدون تشخیص اینکه اصلی ترین موضوع حتی بیشتر از سایر جنبه های انسانی که توجه وی را به خود جلب می کند ظرفیت آنها برای شر و بدی و اطاعت بی چون و چرا از این بخش شیطانی ذات خویش است، غیرممکن است. رمان ها و داستان های کوتاه وی آکنده از شخصیت هایی با این ویژگی ها می باشند به عنوان مثال گودمن برون در "گودمن برون جوان"، عالیجناب هوپر در "نقاب سیاه کشیش"، وریوبن بورنه در "تدفین راجر ملوین" نمونه هایی هستند که جنبه تاریک انسان را به تصویر می کشند. این بعد تاریک انسانیت به اصل محرومیت قطعی (Total Depravity) اشاره دارد که اساس و پایه کالوینسیم است.

هاتورن در "گودمن برون جوان" کشمکش درونی بین خیر و شر را مطرح می کند که این شر است که پیروز میدان است. گودمن برون که نماینده پیوریتن ها است با وسوسه رفتن به جنگلی تاریک که نماد گناه است روبرو می شود و با شروع این سفر به سوی گناه گام برمی دارد. این اتفاق به واقع بیانگر چالشی بین شجاعت رفتن به جنگل تاریک و رویارویی با وسوسه هایی است که توسط قدرت های شیطانی ایجاد می شوند. هر لحظه برون آرزوی بازگشت به منزل را از ذهن خود می گذراند اما این قدم هایش هستند که او را به پیشروی در جنگل هدایت می کنند. افراد نیکوکار و حتی اعضای کلیسا از همان راه می گذرند تا خود را به جلسه شیطانی برسانند و برون در حالی که در میان درختان پنهان شده نظاره گر رفت و آمد آنان است. در محل برگزاری جلسه شیطانی گودمن برون متحمل یک شوک بزرگ می شود و آن حضور همسر زیبا و معصومش فیث (Faith) است.

ردپای کالوینسیم در باب محرومیت انسانها در جمله ای که توسط شیطان در این داستان بیان می شود مشهود است وقتی که می گوید: "شیطان در ذات انسانهاست" (هاتورن، ۱۸۳۵: ۸۳). گودمن برون به مسیحیت و رعایت اصول آن توسط افراد مهم جامعه مثل گودی کلویس، کشیش شهر و دیاکن گوکین باور داشته تا هنگامی که شیطان به او ثابت می کند که گودی کلویس ساحره است و دو نفر دیگر، از طرفداران او هستند. او به پاکی و معصومیت همسرش باور داشت اما باز این شیطان بود که باورش را نقض نمود. اینجاست که متزلزل بودن باورها و عقاید گودمن برون ثابت شده و همه شواهد دال بر وجود تمایل به خیر و شر در ذات آدمیزاد است.

در "نقاب سیاه کشیش" (۱۸۳۶)، دیگر داستان مورد بررسی در این مقاله، هائورن موضوع گناه پنهان را با استفاده از شخصیت اصلی داستان که کشیشی به نام پدر هوپر است مطرح می‌سازد. به نظر می‌رسد که تم و موضوع اصلی "نقاب سیاه کشیش" در آخرین جملات عالیجناب هوپر هنگام مرگش به خواننده القا می‌شود: "هر انسانی گناه پنهانی دارد که آن را از دیگران مخفی کند." شاید یکی از دلایل او برای پوشیدن نقاب سیاه گناه پنهانی باشد که او در گذشته مرتکب شده است. با وجودیکه پدر هوپر می‌تواند با نگفتن گناهِش به دیگران، برای همیشه آن را از افراد پنهان دارد اما در واقع با پوشیدن نقاب بطور غیرمستقیم گناهکار بودنش را به همگان ثابت می‌کند. نقاب سیاه شاید وظیفه‌رهایی او از تنش‌های داخلی را بر عهده داشته است. عقیده آقای هوپر این است که همه انسان‌ها گناهی برای پنهان کردن از دیگران دارند. اگر آنها گناه پنهان خود را بیان نکنند همواره متحمل تنشی درونی خواهند بود اما اگر از گناه پنهان خویش برای دیگران بگویند از تنش و استرس‌رهایی یافته‌اند. نقاب سیاه کشیش هوپر تصدیقی بر اصل محرومیت دائمی انسان که پایه کالونینسم است می‌باشد.

در هر دو داستان می‌توان آثاری از کشمکش‌های بیرونی را مشاهده نمود. این کشمکش بین هر دو شخصیت اصلی یعنی گودمن برون جوان و عالیجناب هوپر در مقابل جامعه پیوریتن مطرح می‌شود. آنها با فهمیدن حقیقت خود را از جامعه دور می‌کنند. گودمن برون با این تفکر که هیچ یک از افرادی که زمانی الگوی برجسته مذهبی برای وی بوده‌اند در واقع آنچه که وانمود می‌کرده‌اند نبوده‌اند از جامعه فاصله می‌گیرد. نقاب سیاه مانعی است که بین هوپر و جامعه اش دوری ایجاد می‌کند. در نهایت گودمن برون جوان و هوپر در انزوای خود به استقبال مرگ می‌روند و در این کشمکش نیز مغلوب می‌شوند و جامعه پیوریتن پیروز میدان است.

### اهداف تحقیق

این پژوهش در صدد رسیدن به اهداف و پاسخ به سوالات زیر است:

۱. اولین هدف، روشن سازی نقش کلید واژه مذهب در آثار ناتانائیل هائورن خصوصاً داستانهای کوتاهش می‌باشد.
۲. این تحقیق سعی بر آن دارد یکی از مهم‌ترین تئوری‌های مذهبی را با شاخه‌ای از ادبیات، تئوری کالونینسم از دیدگاه جان کالون بر داستان‌های کوتاه هائورن، وفق دهد. مفاهیم گناه و

بررسی مفهوم مذهب از دیدگاه کالوینیسیم در دو داستان کوتاه "کودمن برون جوان" و... ۱۳۳۱۱۱

مجازات، محرومیت قطعی و گناه کاری ذاتی انسانها که مهم‌ترین موضوعات داستان‌های هاثورن هستند بطور کلی ریشه در عقیده و تنوری کالوینیسیت دارند.

۳. می‌توان بررسی آثار ادبی نویسندگان مذهبی را از لحاظ مذهب که همواره بزرگ‌ترین دغدغه ذهنی بشر بوده، به عنوان شاخه‌ای از نقد ادبی مطرح نمود.

۴. برای همگان روشن سازد هاثورن به عنوان یک نویسنده مذهبی می‌خواست با مطرح کردن سختگیری‌های پیوریتن‌ها در آثارش مردم را آگاه کرده تا در جهت بهبود اوضاع و احوالات خود و جامعه گام بردارند. همانگونه که جک لینچ<sup>۱</sup> در کتاب خود با عنوان "بینش انتقادی، ناتانائیل هاثورن" (۲۰۰۹) بیان می‌کند: "هاثورن نماد ادبیات قرن ۱۹ در آمریکا می‌باشد و با وجود تمام معروفیتش بسیار غریب و ناآشنا بنظر می‌رسد و زوایای پنهان بسیاری در زندگیش هنوز ناشناخته مانده است." (lynch، ۲۰۰۹، ۳)

### سوالات تحقیق

این تحقیق سعی دارد به دو پرسش زیر پاسخ دهد.

۱. مفهوم کالوینیسیم چیست؟

۲. چگونه می‌توان کالوینیسیم را در داستان‌های کوتاه هاثورن به طور عملی بکار برد؟

### ضرورت و اهمیت تحقیق

در عصر کنونی اینطور به نظر می‌رسد که مذهب به عنوان یک شاخص اصلی در جامعه صنعتی مفهومش را از دست داده، و زندگی ماشینی و تجملات جای اعتقادات قلبی و دینی را گرفته است. این تحقیق تا حدودی توانسته است یادآور روحیه مذهبی و اعتقادی مردمانی باشد که این شاخص را به عنوان یک گنجینه گرانبها می‌پنداشتند. این تحقیق می‌تواند دوباره این حس را در خوانندگان کنونی که با حس خلاء مذهبی روبرو هستند برانگیزد و راهی را برای آنها باز کند تا دوباره به این شاخص بیاندیشند و آن خلاء را پر کنند. پس از این لحاظ این تحقیق می‌تواند بهانه‌ای باشد که همان شاخصی را که به دنبالش بوده ولی با پیشرفت علم به فراموشی سپرده شده دوباره تجدید کند و محققین بعدی نیز به این مورد پردازند.

### مرور مطالعاتی

طبق نظر منتقدان ادبی آثار هاثورن را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی

1. Lynch, Jack. Critical Insight, Nathaniel Hawthorne. Salem Press, Vol. 1, 2009.

قرار داد از جمله رمانتیسم ترانسندنتالیزم یا مکتب تعالی گرایی و... تعدادی از مهم ترین مقالات و کتبی که در این زمینه تالیف شده‌اند در ادامه ذکر شده است. فرانسیس جی برمر در اثر خود با عنوان Puritanism, a Very Short Introduction (2009)، هارولد بلوم در کتابش بنام Bloom's Major Short Story Writers (2001)، اچ واگنر در Nathaniel Hawthorne (1962) درباره هاتورن و آثارش نگاشته‌اند. آلفرد روزا در باب تعالی گرایی در کتاب خویش با عنوان Salem, Transcendentalism, and Hawthorne (1953) مطالبی کاربردی نوشته است. همچنین ویلیام ام وایت تز دکترای خود را در سال ۱۹۵۳ درباره هاتورن نگاشته است عنوان این پایان نامه The person of Philosophy Nathaniel Hawthorne می‌باشد. ماتیو اس آیزنمن در پایان نامه ارشد خود در دانشگاه جورجیا داستانهای کوتاه هاتورن را بر اساس پیوریتنیسم و انتقاد به مکتب تعالی گرایی مورد بررسی قرار داده است. عنوان این پایان نامه Hawthorne's transcendental Ambivalence in Mosses from an Old Manse می‌باشد. 2011.

### بحث و بررسی

کالوینیسم که یکی از شاخه‌های اصلی پروتستانیسم و مسیحیت است، برای بار نخست توسط روشنفکر و اصلاح طلب معروف فرانسوی جان کالون در سال ۱۵۳۶ در کتاب مهمش "مبادی دین مسیح" مطرح شد. وی دنباله رو مارتین لوتر کینگ بود. کالون معتقد به تقدیر الهی بود و سعادت و شقاوت را به دست خداوند می‌دانست. او در اجرای وظایف مذهبی چنان سختگیر بود که دستور داد میشل سروت (۱۵۱۱-۱۵۵۳) عالم کلامی اسپانیولی را به جرم انکار تثلیث زنده زنده در ژنو سوزانند. می‌توان گفت کالون به اوج رساننده پروتستانیسم در اصول گرایی مذهبی و ضدیت با مصلحت گرایی بود.

جان کالون فرانسوی که موثرترین اصلاح گر پروتستان بعد از لوتر است، به قصد آنکه حقوقدان شود در پاریس تحصیل کرد. روشنی و دقت که از ویژگی‌های اندیشه کالون است، تا اندازه‌ای ناشی از این تربیت بوده و بیشتر به نگرش انسان گرایان شباهت داشت، اما در سال ۱۵۳۳-۱۵۳۲ در اندیشه او دگرگونی رخ داد و عمیقاً مذهبی شد، مخصوصاً اینکه تحت تاثیر لوتر قرار گرفت. آئین کالون نامی است که به فلسفه دینی‌ای داده شده که "جان کالون" و پیروان او ترویج می‌کردند. کالون اندیشمندی روشن اندیش و در نوشتن نثر بسیار زلال و



بررسی مفهوم مذہب از دیدگاه کالوینیسیم در دو استان کوتاه "گودمن برون جوان" و... ۱۳۵۱۱۱

شفاف، استاد بود. شاهکارش کتاب "مبادی دین مسیح" است که برای نخستین بار در سال ۱۵۳۶ انتشار یافت و تا ۱۵۵۹ که ویرایش نهایی اش عرضه گردید، بارها مورد تجدیدنظر واقع شد. پروتستان‌ها در این کتاب همه اطلاعات مربوط به دین مسیح را به شیوه‌ای مرتب و منظم یافتند، از نظر جامعیت و کمال در میان آثار پروتستان‌ها کتاب دیگری که بتواند با این اثر برابری کند نوشته نشده است.

و یا منبع دیگری می‌گوید: کالون عقاید پروتستان را آن‌چنان با صلابت و مهارت بیان می‌کرد و می‌نوشت بطوری که هر کس می‌خواند و می‌شنید مسحور آن می‌شد. شهرت و نفوذ او موجب شد تا اصلاح خواهان از هر سو و هر کشور به شهر ژنوروی آوردند و آنجا را بزرگ‌ترین مرکز اصلاح کیش مسیح کردند. تاریخ ادیان نشان می‌دهد که یک نفر ایجاد کننده یک دین و آئین است و فرد بعدی تقریر کننده، بیان کننده و به وجود آورنده چهارچوب‌های دین جدید می‌باشد و دین شخص مصلح را روشن و دارای تشخیص‌های روشن کننده می‌نماید و کالون نیز همین طور است.

کالون هم احساس می‌کرد که لوتر نتوانسته پروتستانیسیم را کاملاً از تفکرات قبلی کاتولیکی کلیسای خارج کند؛ لذا سعی کرد اولاً بحث‌های پروتستان را با کمال سادگی و روانی بیان کند ثانیاً بحث‌های آن را مرزبندی کرد، ثالثاً آثار باقی مانده از سنت‌های اسقفی را از پروتستان خارج نمود چون احساس می‌کرد که لوتر نتوانسته است کاملاً فرهنگ کاتولیکی را در گفتارهای خودش از بین ببرد، مثل خوشی‌گرایی و تخیل‌گرایی که در گفتارهای لوتر است. کالون مبنا را زهد شدید گذاشت که بایستی یک شخص پروتستان داشته باشد، به همین دلیل بود که اسم آنها را پاک دین‌ها<sup>۱</sup> گذاشتند یعنی کسانی که دین خودشان را از دنیا‌گرایی و مسائل مربوط به آن جدا کرده‌اند، ولی زهد او زهد کلیسای رهبانی نیست بلکه زهد او عرفانی است یعنی اینکه زهد او با دنیا‌گرایی فعال همراه است، نه دنیا‌گرایی منفعل، زهد او با کار و کوشش دنیوی همراه است، نه اینکه با خمودگی، سستی و بیهودگی همراه باشد. به همین دلیل است که با سرمایه‌داری همراه می‌شود؛ یعنی بستر ساز فرهنگ سرمایه‌داری در غرب می‌شود چون اخلاق پروتستانی لوتری با روح سرمایه‌داری جور در نمی‌آید.

لوتر چندان شوری به تشویق سوداگران نداشته ولی کالون با آنها همدردی کرد و برای تأیید مقولات اقتصاد پولی جدید (اقتصاد تجاری پولی) به تفسیر انجیل پرداخت، سپس با پیشرفت طبقه جدید آئین پروتستان بیش از پیش با اقتصاد پولی سازگار شد. یعنی اگر بستر فرهنگی دینی فنودالیسم را کاتولیک می‌ساخت بستر فرهنگی دینی سرمایه‌داری را کالونیسیم ساخت. از جمله کانون‌هایی که این آئین در آنها رواج گرفت عبارتند از: شهرهای سوئیس که میانجی مراکز بازرگانی اروپای شمالی و جنوبی به‌شمار می‌رفتند، مراکز بازرگانی هلند که موسسات صرافانی و کشتیرانی عظیم به وجود آورده است و نیز انگلیس و آمریکا که صحنه تکامل نهایی آئین کالون و سرمایه‌گرایی گردیدند. جغرافیای اقتصادی اروپای آن روز، با جغرافیای دینی پروتستان همخوانی داشت و این فرهنگ با آن ساختار، پیوند مناسبی پیدا کرد که باعث موفقیت یکدیگر شدند.

به همین دلیل، برخی از تفکرهای ضد سرمایه‌داری، سخت با کالونیسیم برخورد نظریه‌ای پیدا می‌کنند. غلبه آئین پروتستان بر آئین کاتولیک سبب شد که پروتستان مخصوصاً پاک‌دین‌های کالونی بخشی از تشریفات دینی و عبادات رسمی را رها کنند و از رهبانیت و فقر روگردانند و در عوض به عبادت قلبی و تصفیه باطن و تهذیب اخلاق بپردازند. از این‌رو اگر گفته شود که اینان به رهبانیت ظاهری پشت کردند، این نکته را نیز باید اضافه کرد که هیچ‌یک از آنها، رهبانیت باطنی را ترک نگفتند. آنها معتقد بودند که نباید با رهبانیت، از شر امیال جسمانی و منافع دنیوی رست هرچه در ما وجود دارد ودیعه خداست.

باید ودایع خدا را پذیرفت و به شیوه‌ای که خدا مقرر داشته به کار برد. باید همواره مراقب رفتار خود بود و با تعدیل و تصحیح آن، خود را سزاوار رستگاری ساخت. نباید از امور دنیوی گریخت، بلکه باید خردمندانه بدین امور پرداخت. بديهی است که چنین روحیه‌ای افراد را به سرکوبی خشم، نفرت و ناخرسندی وامی‌دارد و به وظیفه‌شناسی و خدمتگزاری می‌کشاند بنابراین کالونیسیم، نظام اجتماعی را از آرامش برخوردار می‌ساخت و بهره‌کشی بی‌رحمانه سرمایه‌داران را تسهیل می‌کرد. اتحاد پیوریتنیسم کالونی و سرمایه‌داری برای مدت طولانی دوام پیدا کرد.

بر طبق عقاید کالونیسیم رستگاری تنها در معیت با تثلیث، اعتقادات مسیحیت به وجود سه شخصیت در خدا، امکان‌پذیر است. این سه شخصیت شامل "پدر"، "پسر" و "روح القدس"

بررسی مفهوم مذهب از دیدگاه کالوینیسم در دو داستان کوتاه "کودمن برون جوان" و... ۱۳۷۱۱۱

است که پدر (خدا) افراد را انتخاب می کند و پسر که در واقع عیسی مسیح می باشد بخاطر بخشیده شدن گناه منتخبین به استقبال مرگ می رود و سرانجام روح القدس کسانی را که توسط پدر انتخاب شده اند و با مرگ عیسی مسیح از گناه پاک شده اند به سوی ایمان و توبه از گناهان هدایت می کند و این منجر به اطاعت بی چون و چرا از انجیل می شود. توجه به این نکته مهم است که تنها خداوند باری تعالی است که تعیین می کند چه کسی شایستگی رسیدن به رستگاری و بهشت را دارد.

کالوینیسم در پنج اصل و دکترین خلاصه می شود که اصطلاحاً (TULIP) گفته می شود و شامل: تباهی مطلق (Total Depravity)، انتخاب قطعی (Unconditional Election)، جبران مشروط (Limited Atonement)، لطف اجباری (Irresistible Grace) و مداومت پرهیزگاران (Perseverance of the Saints) می باشد که در ادامه به تعریف آنها پرداخته می شود.

**تباهی مطلق (Total Depravity):** براساس کالوینیسم به علت رانده شدن حضرت آدم از بهشت، انسان از رسیدن به رستگاری با اعتقاد صرف به کتاب مقدس بازمانده است. آنها معتقدند چون حضرت آدم به واسطه خوردن میوه ممنوعه مرتکب گناه شده است، تمام انسانها ذاتاً گناهکار پا به دنیا می گذارند. انسان گناهکار حق انتخاب ندارد و نمی تواند خوب یا بد بودن را انتخاب کند. گناه تمام ویژگی های شخصی، احساسات و عواطف و حتی افکار و اعمال انسانها را در سیطره خود قرار می دهد. قلب او به خاطر گناه ذاتی اش فاسد شده است. انسان گناهکار در مقابل الطاف خداوند نابینا و ناشنوا است. ایمان و توانایی طلب بخشش از درگاه خداوند به واسطه توسل به عیسی مسیح تنها به کسانی اعطا می شود که خداوند بخواهد. (2003, piper)

**انتخاب قطعی (Unconditional Election):** این اصل از کالوینیسم به بیان این نکته می پردازد که خداوند از ابتدا و حتی قبل از پیدایش جهان عده ای از افراد را به خواست خود و با قدرت مطلقش انتخاب می نماید. با پذیرفتن اصل تباهی مطلق و اینکه انسان قادر به انتخاب راه درست نیست و نمی تواند به کتاب مقدس معتقد باشد پس خداوند باید به انتخاب افراد پردازد و گروهی راهی بهشت و گروه دیگر راهی جهنم شوند. این اراده خداوند است و هیچکس و هیچ چیز توان تغییر در آن را ندارد. (1986, perry: 121)

**جبران مشروط (Limited Atonement):** این اصل نتیجه منطقی از دکترین تباهی مطلق است. بر

طبق این اصل به صلیب کشیده شدن و مرگ عیسی مسیح یک عمل جایگزین در جهت بخشش گناهان بندگان منتخب خداوند است. مرگ عیسی مسیح جبران کننده گناهان آنان است، جبران مافات گناهکاران به واسطه حضرت عیسی فقط و فقط محدود به افرادی است که خداوند اراده کرده است تا به رستگاری برسند. جبران مشروط همچنین "رستگاری ویژه" نامیده می‌شود.

**لطف اجباری (Irresistible Grace):** براساس این اصل لطف و محبت خداوند آزادانه و به میزان فراوان شامل منتخبین می‌شود. این بخشش و مهربانی از سوی خداوند اجباریست و کسی نمی‌تواند از پذیرفتن آن سر باز زند و همچنین به دست آوردن آن دل بخواهی نیست. این لطف اجباری، قلب بنده‌ی منتخب را متحول کرده و او را به پیروی از کتاب مقدس و حضرت عیسی مسیح ترغیب و تشویق می‌کند. روح القدس در این راه حامی افراد انتخاب شده است و در رسیدن به رستگاری به آنان کمک می‌کند. (Bouwmsa: 1988)

**مداومت پرهیزگاران (Perseverance of the Saints):** همه کسانی که توسط خداوند انتخاب شده‌اند و توسط حضرت عیسی جبران مافات شده‌اند و روح القدس آنها را به سوی ایمان قلبی به کتاب مقدس هدایت کرده است، نهایتاً نجات می‌یابند و به بهشت می‌روند. آنها همیشه با ایمان باقی می‌مانند و خداوند به آنان برای مداومت و استمرار در ایمانشان کمک می‌کند. خداوند انتخاب می‌کند کدام بنده در لیست منتخبین باشد و هیچکس نمی‌تواند خود را در این گروه قرار دهد. (piper: 2003)

پذیرفتن چهار اصل آخر در گروهی قبول اصل اول یعنی تباهی مطلق است. جان کالون سرانجام در نهم دسامبر ۱۹۶۴ میلادی در ۵۵ سالگی بر اثر مخالفت با کلیسا محکوم به مرگ شد و زنده زنده در آتش سوزانده شد.

### نقد و تحلیل

در داستان‌های "گودمن برون جوان" و "نقاب سیاه کشیش" می‌توان آثار کالوینیسیم را مشاهده نمود. گناه کار بودن ذاتی انسانها و خود گناه چه اصلی و چه پنهانی که در دیدگاه کالوینیسیم اجزاء لاینفک آدمیزاد هستند درون مایه بیشتر آثار ناتانائیل هاتورن، که خود نویسنده‌ای مذهبی بود، می‌باشند. با وجود اینکه هاتورن از عقاید اجدادش که همگی ظاهراً پیوریتن‌های افراطی بودند اما در اصل هیچ یک باطنی پاک نداشتند جدا شده بود، اما همیشه می‌توان نشانه‌های مذهب را در آثارش یافت. رمان "داغ ننگ" و داستان کوتاه‌های "گودمن برون جوان" و "نقاب

بررسی مفهوم مذهب از دیدگاه کالوینیسیم در دو داستان کوتاه "گودمن برون جوان" و... ۱۳۹۱۱۱

سیاه کشیش "برجسته‌ترین آثار مذهبی وی هستند که هر یک در نوع خود بی‌نظیرند. هائورن با استفاده از تشبیهات و سمبل‌های به کار برده شده در داستان "گودمن برون جوان" به شفاف‌سازی این ایده از پیوریتن‌های کالوینیسیت در قرن هفدهم که شیطان در هر جایی حضور دارد پرداخته است. در ذات انسان همواره عطش کشف حقیقت و دانستن واقعیت وجود داشته، که گاهی دانش او را افزوده است و گاهی عواقب سختی در پی داشته است. همانطور که در داستان "گودمن برون جوان" می‌توان عاقبت کنجکاوی در مذهب را دید. گودمن برون تصمیم می‌گیرد برای کشف حقیقت سفری شبانه را آغاز کند که نتیجه‌ای جز مذهب‌گریزی، انزوا و از دست دادن خانواده‌اش را به دنبال نداشت. گودمن برون مظهر پاکی صداقت و ایمان است. منتقدی به نام دی.ام مک کیسن درباره شخصیت گودمن برون می‌گوید: "برای درک درون مایه اصلی داستان‌های هائورن، بایستی در ابتدا سمبل‌های اصلی آنها را شناخت. اسم گودمن برون نامی سمبلیک است که به جوانی، معصومیت و ذات خوب او اشاره می‌کند." وسوسه شیطان به او شجاعت سفر در دل جنگل تاریک را می‌دهد جایی که او می‌فهمد همه اجدادش، یک به یک، مرتکب گناهی شده‌اند و نتایج این گناهان و حتی خود گناهان تا زمان خودش ادامه یافته است. اجدادی که همیشه به دینداری آنان مفتخر بود اینک وجودشان برای گودمن برون مایه ننگ است. شاید این قسمت از داستان اشاره‌ای به اجداد هائورن نیز باشد. او در آنجا می‌بیند که همسرش که او شیفته معصومیتش بود و حتی اعضای کلیسای شهر که به او آموزش مذهب را می‌دادند در جلسه شیطانی حضور دارند. در آغاز سفر گودمن برون، فیث، همسرش که به تازگی با هم ازدواج کرده‌اند، از او می‌خواهد به این سفر شبانه نرود و با اصرارش بر نرفتن سفر همسرش را به تاخیر می‌اندازد. وقتی گودمن برون با تاخیر به محل قرار با شیطان می‌رسد می‌گوید: (McKeithan, 1952, 98) "فیث مرا معطل نمود." در اینجا ذکر این نکته ضروری است که فیث به معنای ایمان در اینجا سمبلی از مذهب و اعتقادات مذهبی گودمن برون است. سمبلی از آنچه گودمن برون معتقد است مظهر پاکی و خوبی است. در اواسط داستان هنگامی که همسرش را در آن بزم شیطانی می‌بیند با ناراحتی تمام می‌گوید: "ایمانم از دست رفت" که منظور از ایمان در اینجا علاوه بر عقاید مذهبی، همسرش فیث نیز هست.

اینجاست که گودمن برون به این نتیجه می‌رسد که انسان ذاتاً گناهکار است و تنها خداوند است که سرنوشت انسان‌ها را تعیین می‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند انتخاب کند که چگونه فردی

باشد. خوب باشد یا بد؟ این نتیجه گیری همان اصل فلسفه جبری کالوینیسیم است که معتقد است هر اتفاقی می افتد، انسان ها هر سرنوشتی پیدا می کنند همه از قبل توسط خداوند طرح ریزی شده است و هیچ کس قادر به تغییر آن نیست. ذات انسان به گناه آلوده است و راهی برای رهایی از آن وجود ندارد. عقیده کالوینیسیت ها مبنی بر محرومیت دائمی انسان ها و داشتن ذات شیطانی و گناهکار در داستان "گودمن برون جوان" از زبان شیطان ذکر می شود وقتی که می گوید: "شیطان در ذات انسان است." این نتیجه گیری گودمن برون اساسا اشتباه است و ریشه در کالوینیسیم بودن وی دارد. کالوینیسیم در آن زمان بسیار رواج داشته و بدون شک این مرد جوان تحت تاثیر آن بوده است. او وقتی صبح روز بعد از سفر مخوف برمی گردد به اندازه ی سالها با گودمن برون قبل از سفر تفاوت دارد. او انزوا را انتخاب می کند و از خانواده و جامعه اش می گریزد. کیو. دی لوئیس، منتقد ادبی، می گوید: "هاثورن با قدرت تصور فوق العاده اش برای خواننده مفهوم کالوینیسیتی از گناه را خلق کرده است، تئوری ای که تاریخ اجتماعی و معنوی نیو انگلند را شکل می دهد."

توماس ای. کاننلی استاد دانشگاه بوفالو در کتاب خود با عنوان "گودمن برون جوان هاتورن، حمله ای به پیوریتن های کالوینیسیت در ادبیات آمریکا" می گوید: "گودمن برون جوان در ادامه زندگی خود دچار درد سر می شود نه بخاطر از دست رفتن ایمانش به خدا بلکه بخاطر فقدان آموزش و عقیده درست در جامعه ای که در آن زندگی می کند. او می فهمد که در آموزش های پیوریتن ها هیچ ایمانی وجود ندارد که انسان را به بهشت هدایت کند ... اما او را به جهنم محکوم می کند." (Connolly، ۱۹۵۶: ۳۷۵)

در داستان "نقاب سیاه کشیش" همانند دیگر داستان هایش، هاتورن از درون مایه گناه و ذات گناهکار انسانها استفاده کرده است. شخصیت های داستان های هاتورن همواره باری از گناه را به دوش می کشند. گناه اصلی (original sin) که نتیجه و پیامد خطای بزرگی است که حضرت آدم و حضرت حوا مرتکب شده اند میراث کل بشریت است. آنها در درگاه خداوند از فرمان خدا سرپیچی کردند و از میوه ممنوعه خوردند و سپس سعی نمودند که خود را از دید پروردگار پنهان کنند.

پدر هوپر با پوشیدن همیشگی یک نقاب سیاه سعی می کند چهره اش را از دیگران مخفی نگه دارد نقابی که او حتی در خلوت خویش نیز بر چهره دارد. او که به تازگی به شهر وارد

بررسی مفهوم مذهب از دیدگاه کالوینیسیم در دو داستان کوتاه "گودمن برون جوان" و... ۱۳۱۱۱۱

شده در اولین سخنرانی‌اش برای حضار کلیسا از گناه پنهان و گناه اصلی حرف می‌زند. او بعنوان یک کشیش کالوینست معتقد است که همه انسان‌ها بخاطر گناهی که حضرت آدم مرتکب شده ذاتاً گناهکار هستند و به مانند او از بهشت برین رانده شده‌اند. او عقیده راسخ دارد که انسان‌ها در طول عمر خویش به گناهایی آلوده شده‌اند که برای پنهان داشتن آن از دیگران در پشت نقاب‌هایی که بر چهره دارند مخفی نموده‌اند. این نشان می‌دهد که شاید پشت نقابی که بر چهره عالیجناب هوپر جا خوش کرده است گناهی بزرگ پنهان است. یک منتقد ادبی بنام پیرسون معتقد است که حضار کلیسا با نجوای خود نشان می‌دهند که فهمیده‌اند علت پوشیدن ماسک سیاه کشیش گناه‌یست که قبلاً مرتکب شده است و هوپر آگاهانه دیگران را در جریان وجود گناه پنهان خویش قرار داده است. (Pearson, ۱۹۹۹)

درون مایه و موضوع اصلی در داستان "نقاب سیاه کشیش" شاید در جملات زمان مرگ کشیش هوپر استنباط شود وقتی می‌گوید: "هر کسی گناه پنهانی دارد که آن را از دیگران مخفی دارد". او معتقد است که همه انسان‌ها گناهکارند و همه محکوم به رفتن به جهنم سوزان هستند و هیچ کس راه گریزی از سرنوشت از پیش تعیین شده‌اش ندارد و فقط بندگانی نجات می‌یابند که خداوند آنها را در لست منتخبتن قرار داده باشد. البته تا روز قیامت هیچ کس نمی‌داند که آیا جزء انتخاب شده‌ها می‌باشد یا خیر؟ نقاب روی چهره‌ی آقای هوپر پوششی برای گناه‌یست که او در گذشته مرتکب شده است و او هرگز نمی‌تواند آن را از صورتش بر دارد و تنها خداوند متعال قادرست آن را بردارد و این کار در روز قیامت به وقوع می‌پیوندد. (Hawthorne, ۱۹۶۲: ۸۸)

همانگونه که در داستان "گودمن برون جوان" افرط در عقاید مذهبی عواقب زیادی برای شخصیت اصلی داستان یعنی گودمن برون جوان به دنبال داشت در این داستان نیز اعتقاد راسخ به گناهکار بودن ذاتی آدمیزاد نتایج بدی برای کشیش هوپر داشت که مهمترین آن گوشه‌گیری و انزوا طلبی وی بود. بخاطر پوشیدن دائمی نقاب مردم شهر از او دوری میکردند و علت آن برای همگان نامعلوم بود. در واقع علت انزوای پدر هوپر تنش‌هایی بود که میان او و محیط اطرافش ایجاد شده بود. قبل از ورود کشیش هوپر به شهر در داستان همه چیز زیبا و روشن و نورانی توصیف می‌شود اما با ورود کشیش نقاب دار واژه‌های توصیفی به غمگین، تیره و تار و سکوت تغییر پیدا می‌کنند. این تناقض منعکس کننده درون مایه اصلی داستان یعنی روشنی در

برابر تاریکی و آگاهی از گناه و یا غفلت از گناه است. هاثورن سبک زندگی پیوریتن‌ها را نمی‌پسندد بلکه برعکس او جامعه‌ای که می‌تواند خوب زندگی کند ولی با افراط در دین و مذهب راه زهد را گم می‌کند مورد نقد قرار می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر جنبه‌های تاریک تفکرات هاثورن، کسی که به درستی یکی از بزرگترین و معروف‌ترین نویسندگان مذهبی قرن ۱۹ در نیو انگلند بوده است، روشن و شفاف نموده است. هاثورن با وجود گریز موفقش از عقاید سخت و خشک پیوریتن‌های کالوینیست هرگز نتوانست در داستان‌هایش مذهب را نادیده بگیرد.

این تحقیق توانسته است یکی از مهمترین شاخه‌های مسیحیت یعنی کالوینیسم را با بررسی آثار هاثورن وارد نقد ادبی نماید و همچنین ثابت کند که آثار نویسندگان مذهبی می‌تواند مورد نقد ادبی قرار بگیرد.

نتیجه دیگر این است که هم جان کالون به عنوان شخصی مذهبی و نماینده دین و هم ناتانائیل هاثورن به عنوان نویسنده مذهبی، قصد اصلاح جامعه را داشته‌اند هرچند شاید کالون دچار افراط شده است و شرایط را سخت‌تر نموده است. در نهایت می‌توانیم قاطعانه بیان کنیم هاثورن خود نیز عقاید کالوینیستیک داشته است. ردپای تفکرات کالوینیستیک را در تمام آثار هاثورن می‌توان به عینه مشاهده کرد. شاید میراث اجداد مذهبی‌اش به او نیز رسیده است.

### منابع

- Bloom, Harold, ed. *Nathaniel Hawthorne, Modern Critical view*. New York: Chelsea House Publishers, 1986.
- Bloom, Harold. *Bloom's Major Short Story Writers*. New York: Chelsea House Publishers, 2001.
- Bouwsma, William J. *John Calvin: A sixteenth Century Portrait*. New York: Oxford University Press, 1988.
- Canby, Henry seidel. *Classic Americans: A study of Eminent American writers from Irving to Whitman*. New York: Russell and Russell, 1959.
- Connolly, Thomas E. *Hawthorne's Young Goodman Brown: An Attack on Puritanic Calvinism*. In *American Literature*, vol XXVIII, NO 3, 1956. Pp.370-75.
- Donoghue, Denis. *Hawthorne and Sin*. Christianity and Literature Press, 2003.
- Hawthorne, Nathaniel. *The Centenary Education of the Works of Nathaniel Hawthorne*. Ed, William Charvat et al. 20 Vol s. Columbus: Ohio State University Press, 1962-88.
- Hawthorne, Nathaniel. *Twice-told Tales*. Pensilvanya State University press, 2003.
- Hawthorne, Nathaniel. *The Snow Image*. USA, Cambridge: the Riverside Press, 1983.
- Hawthorne, Nathaniel. *Mosses from an Old Manse*. Orauge Street Press Classic, 1999.
- Leavis, Q.D. Hawthorne as a Poet. *The Sewanee Review*, vol 51. No 2. Spring 1951. pp. 205-179.
- Lynch, Jack. *Critical Insight, Nathaniel Hawthorne*. Salem Press, Vol. 1, 2009.
- Mckeithan, D.M. Hawthorne's Young Goodman Brown: An Interpretation. *Modern Language Notes*, vol LXVII, No 2, Fabraury 1952, pp. 93-6.
- Perry, Ben. *Arguments against Calvinism and Predestination*, 1986, 121.
- Piper, John Stephen. *Calvinism*. Munich: The University of Munich Press, 2003.
- Pearson, Norman Holmes, Ed. *The Hawthorne Treasury: The Complete Novels and Selected Tales of Nathaniel Hawthorne*. New York: The Modern Literary, 1999.